

چاپ
سنگی
فارسی
از
نگاه
شرق شناسان

هشت مقاله درباره تاریخچه چاپ سنگی فارسی

نویسندگان:

اولمسیاد شگلوا،

اولیش مارزلف،

نیل گرین،

ویلم فلور

ترجمه:

شهرز مهاجر

مقدمه:

دکتر یعقوب آرژند

[illegible]

مجموعه : ۱ - ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲

تعارف کا خطبہ علم

E-mail: info@peikarehpub.com

(بکرو)

۹	دبیاجه
۱۵	یادداشت مترجم
۲۱	تاریخچه مختصر چاپ در ایران
۲۱	چاپ
۲۱	زیلوگراف
۲۲	نخستین چاپ فارسی
۲۵	چاپخانه ارمنی در جلفا
۲۶	چاپ سربی
۲۸	چاپ سنگی
۳۱	بازگشت چاپ سربی
۳۱	روزنامه‌ها
۳۲	چاپ فارسی در خارج از ایران
۳۵	تاریخچه چاپ سنگی فارسی در ایران
۶۵	تاریخچه چاپ سنگی فارسی در آسیای میانه
۸۷	تاریخچه چاپ سنگی فارسی در هند
۱۰۷	تأثیر نسخه‌های خطی بر کتاب‌های چاپ سنگی فارسی هند در قرن نوزدهم
۱۲۷	سنگ‌هایی از باواریا: چاپ سنگی ایرانی در بستر جهانی
۱۲۸	از چاپ سربی تا چاپ سنگی
۱۳۰	آگاهی از وجود چاپ سنگی برای نخستین بار
۱۳۳	و سرانجام دستیابی به چاپ سنگی
۱۳۶	قیمت در برابر زیبایی
۱۳۹	به دنبال سنگ
۱۴۵	از سنگ تا ماشین چاپ
۱۴۷	نقش مسیحیان آوانجلی در توسعه چاپ سنگی
۱۵۰	تثبیت چاپ سنگی در ایران
۱۵۴	چاپ سنگی و روزنامه
۱۵۶	نتیجه‌گیری
۱۶۵	تصویرسازی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی
۱۶۵	۱. سیر مصورسازی کتاب‌های چاپ سنگی در ایران
۱۶۸	۲. گونه‌شناسی کتاب‌های چاپ سنگی مصور
۱۷۰	۳. تصویرسازان کتاب‌های چاپ سنگی
۱۷۱	۴. ویژگی‌های شاخص و منحصر به فرد تصویرسازی در کتاب‌های چاپ سنگی
۱۷۷	میرزا علی قلی خویی، تصویرساز بزرگ کتاب‌های چاپ سنگی فارسی
۲۴۹	نمایه

دیاچه

چنانچه اختراع چاپ را در ۱۴۲۷ میلادی به دست گوتنبرگ بدانیم، این دستگاه تقریباً یک قرن و نیم بعد وارد ایران می شود. طبیعی است آنچه از چاپ در ایران شناخته می شود، آن نبوده که در دوره گوتنبرگ بوده، بلکه در قیاس با آن دوره، دستگاه پیشرفته تر مدته پانزدهمی بوده است. به نظر می رسد اشاره پی یتر و دولاواله در سفرنامه اش از نخستین اشارات به چاپ در ایران بوده باشد. وی می نویسد، شاه عباس اول برای آشنایی با چاپ و اشکال حروف، به یکی از اسقف های کرملی در ایران حکم کرد ترجمه مزامیر داوود را برایش بیاورد که به خط عربی به دست میمند چاپ شده بود. شاه عباس با دیدن این کتاب علاقه اش را برای ایجاد چاپخانه ای با حروف فارسی - عربی در ایران ابراز کرد و حتی اسقف کرملی را مأمور آوردن چاپخانه ای از رُم به ایران نمود.

در همان حدود و حوالی هم ارمنیان ساکن جلغا دست به کار ورود چاپخانه به ایران می شوند و در ۱۰۴۳ هجری چاپخانه ای در اصفهان دایر می کنند. ظاهراً این روند، کمکی به رونق چاپخانه در ایران نمی کند؛ چون حروف مورد استفاده ارمنیان به خط ارمنی بوده و این کار ابتکار عمل را تنها در اختیار

خود آنها قرار می‌داده است. به نظر می‌رسد عرض وجود چاپ و چاپخانه در ایران آسیب‌هایی هم به دنبال داشته، از این رو موجبات خاک‌نشینی آن را از همان ابتدا فراهم کرده است. از یک سو، این زمزمه در جامعه راه می‌افتد که حضور چاپخانه میل اطفال را به نوشتن و یادگرفتن کاهش می‌دهد؛ چون هنوز این سنت در ایران غلبه داشت که اطفال می‌باید آیات قرآنی و احادیث و ... را به خط خود بنویسند و کتابت کنند تا یادگیری سریع فراهم آید. از سوی دیگر، رونق چاپ و چاپخانه در جامعه، نان جماعت کثیری از کاتبان را، که به امر کتابت اشتغال داشتند، آجر می‌کرد و شمار زیادی از آنها را از امر معاش محروم می‌ساخت.

با همه این مشکلات، سراغ داریم که شماری از مردم ایران - از مسلمان تا ارمنی - از سر کنجکاوی و شوق دانندگی، همواره در پی شناساندن جهش‌های علمی و فنی جهانی در جامعه ایران بودند و به قول شاردن، سیاح فرانسوی، ایرانیان مدام در صدقاندن چاپخانه داشته باشند؛ چون فواید آن را می‌دانند. ولی وقتی پای پول به میان می‌آید، همه چیز به هم می‌خورد.

البته تنها مسأله پول نبوده که از بهرگشت و پیسرفت به سوی کمال جامعه ایران جلوگیری می‌کرد، بلکه عوامل مختلف و حوادث سیاسی، میدان رشد آن را محدود می‌ساخت و اثر و برآیند منفی در آن می‌آفرید. چنانچه ثبات روانی و اجتماعی ایران با فروپاشی صفویان در ۱۱۳۵ ه‍.ق به هم ریخت و دستاویزی برای شماری از قدرت‌طلبان فراهم کرد تا نزدیک به هفتادسال از سر سودای خویش به هم برآیند و ایران را دستخوش هیجانات و امیال سیاسی و نظامی کنند و آن را از پویندگی و بالندگی باز دارند. با این همه، در این دوره تقریباً هفتادساله افشاری و زندی، صورت دیگری از کوشندگی علمی و هنری در جامعه وجود داشته است. چنانچه سراغ داریم برخی از مهرورزان به دیار آبا و اجدادی‌شان، فارغ از هر امیال سیاسی، در مقاطع مختلف این دوره، اقدام به واردکردن دستگاه‌های چاپ به ایران کرده‌اند، که یکی از آنها ظاهراً در ۱۱۹۸ ه‍.ق از بندر بوشهر بوده است. به هر تقدیر، با ورود قاجارها به صحنه سیاسی ایران، اندک‌ثباتی در جامعه بروز می‌کند و برنامه‌ریزی‌های بهبود جامعه را میسر می‌سازد.

دوره قاجار، جامعه ایران را به مرحله تازه‌ای می‌برد. بخشی از این مرحله تازه، از خواست شماری از درباریان هوشمند و آگاه، مایه می‌گیرد و بخشی

دیگر را برخی از طبقات نوظلب و نواندیش از پیش می‌برند که در ارتباط با تحولات و دگرگونی‌های جهانی بودند. ورود برخی از مؤسسات تمدنی جدید، بنیان‌های سنتی جامعه را به چالش می‌کشد. یکی از آنها چاپ و چاپخانه است که در هر حال سنت‌های موجود کتابت و نویسندگی را در هم می‌ریزد و داندگسی علمی را در اختیار طبقات گوناگون جامعه قرار می‌دهد؛ میزان تولید کتاب فزونی می‌گیرد و پایه‌پای آن میزان شناخت عمومی در باب موضوعات گوناگون علمی و اجتماعی و هنری و ... افزایش می‌یابد.

چندسال قبل از راه‌اندازی چاپ سربی، چاپ سنگی هم دایر می‌شود و مرزهای هنر تصویرسازی ایران بسط و گسترش می‌یابد. شماری از هنرمندان تصویرسازی ایران، که از همان ابتدا با بداهمی رقابت‌آمیز به مقوله چاپ و چاپخانه نگاه می‌کردند، حال جذب عرصه چاپ سنگی می‌شوند و توانایی و استعداد هنری خود را در این زمینه به کار می‌اندازند؛ به طوری که امروزه می‌توان از این هنرهای تصویری به صورت ژانر هنری متمایز و ممتازی صحبت کرد.

می‌توان بر این نکته تأکید ورزید که با هنرنمایی چاپ سنگی در جامعه ایران، مردم کوچه و بازار و بیشتر خانواده‌های ایرانی - از روستایی تا شهری - با تصویر و تصویرسازی ارتباطی نزدیک می‌یابند. کتاب‌های چاپ سنگی، که در این دوره برای کودکان با تصاویر و مضامین کودکانه (بچه‌خوانی) چاپ می‌شود، اندک نیست. حتی شمار کتاب‌هایی که با مقوله علمی و با تصاویر روشنگر، انتشار می‌یابد، قابل ملاحظه است و طبقات مختلف مردم را در جریان اخبار پیشرفت‌های علمی قرار می‌دهد. بالاتر از همه، شمار کتاب‌های مصور داستان‌های حماسی و تخیلی است که بیشتر در کتابخانه‌های خصوصی صاحبان قدرت و ثروت، کتاب‌آرایی می‌شد. شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، ... که در این دوره با چاپ‌های متعدد و تصاویر جاندار و زیبا انتشار می‌یابد، ذهن و ضمیر عامه مردم را به خود وامی‌دارد. تعداد کتاب‌های مصور مذهبی هم اندک نیست. حال مصوران صحنه‌های مذهبی، از نو وقایع کربلا و یا رفتار و کردار امیرالمؤمنین علی^ع را، که بیشتر در شمایل‌گردانی‌ها و پرده‌برداری‌ها منعکس می‌شد، به زیباترین وجهی در کتاب‌های چاپ سنگی تصویر می‌کنند و مردم عامی و عالم را از نشیب و فراز روایت‌های مذهبی می‌آگاهانند.

در حقیقت، صحنه کتاب‌های چاپ سنگی، صحنه هنرنمایی مصوران و کاتبان در حوزه‌های مختلف است که کلمات را با تصاویر درمی‌آمیزند و دنیایی ملموس و محسوس و رؤیایی پیش روی خوانندگان می‌گشایند و صورتی دیگر از هم‌کناری علم و هنر و جامعه را نشان می‌دهند. امروزه شماری از این مصوران و هنرمندان، شناخته شده‌اند که در صدر آنها میرزا علی‌قلی خویی قرار دارد با کارستانی پروپیمان از تصویرگری‌های نسخه‌های متعدد و چاپ سنگی. استادستار تبریزی، میرزا محمود خوانساری، میرزا حسن بن آقا، سید میرزا اصفهانی، میرزا رضا تبریزی، میرزا اهادی، میرزا سیف‌اله خوانساری، بهرام کرمانشاهی، میرزا جعفر، مصطفی، ... از زمره کوشندگان هستند که در عرصه تصویرسازی نسخه‌های چاپ سنگی فعالیت دارند و اسم و رقم‌شان پای تصاویر نسخه‌ها ثبت می‌شود.

در کنار مصوران و نقاشان، کاتبانی نیز هستند که امر کتابت نسخه را بر عهده دارند و از نام و نشان‌شان به طور مجزا در نسخه‌ها یاد می‌شود. حتی گاهی نقاش و کاتب در یک نفر متجلی می‌شود که امر کتابت و تصویرسازی کتاب را بر عهده دارد. چون مرتضی حسینی برغانی، نقاش و کاتب دیوان لعلی، ویا حسینقلی بن عبدالله، کاتب و نقاش نسخه الف لیله و لیله ویا محمد صانعی خوانساری، کاتب و نقاش نسخه طوفان البکاء، ... برخی از اوقات نیز اتفاق می‌افتد که چندتن هنرمند کتاب در صفحه‌آرایی نسخه‌ای با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ مثل میرزا علی‌قلی خویی و میرزا رضا تبریزی که در کنار هم تذهیب و تصویر کتاب الف لیله و لیله (ج ۱۳۷۲ ه‍.ق) را اجرا می‌کنند.

با یک نظر اجمالی به تصویرسازی نسخه‌های چاپ سنگی دوره قاجار می‌توان به این نتیجه رسید که این نسخه‌ها طبقه و مقوله‌ای خاص از ادبیات را شکل می‌دهند. هر چند از آن می‌توان به ادبیات عامیانه، به ویژه در بُعد داستانی و روایی آن، نیز تعبیر کرد. انتشار کتاب‌ها و مجموعه کاملی از داستان‌های عامیانه در این دوره چون داستان‌های نوش‌آفرین، بهرام و گلندام، حسین‌گرد شبستری، امیرارسلان، چهل طوطی، چهار درویش، دله‌مختار، ... حاکی از پذیرش عمومی آنها بین مردم ایران است که با شمارگان قابل ملاحظه‌ای انتشار می‌یابند و در اختیار خوانندگان مشتاق قرار می‌گیرند؛ در این میان سرمایه‌گذاری شماری از ناشران نیز کارساز می‌شود که سود سرشاری از این جریان جدید فرهنگی، حاصل می‌کنند.

نسخه‌های چاپ سنگی، یک نکته را نیز عمومیت می‌بخشد: یعنی خط و خوشنویسی کاتبان، تصویرپردازی مصوران، تذهیب‌کاری مذهبان و حتی جدول‌کشی جدول‌کشان را، که روزگاری در حیطهٔ دربار محصور بود، در بین طبقات مردم می‌شناساند و آنها را از کنج و گوشهٔ دربار می‌رهاند و در میان مردم کوچه و بازار به شهرت می‌رساند و سنت کتاب‌آرایی کهن ایران را عمومیت می‌بخشد.

چندسالی است که شیوه‌های کتاب‌آرایی چاپ سنگی، ذهن و قلم شماری از پژوهندگان را در داخل و خارج از ایران به خود واداشته است. برخی از محققان خارجی تبعات فرهنگی خود را در این قلمرو سامان داده‌اند و مقالات و کتاب‌هایی روشن‌نگر منتشر کرده‌اند و غبار سالیان را از روی نسخه‌های چاپ سنگی و مصوران و هنرمندان‌شان زدوده‌اند و با عنایتی درخور به ارزیابی و تفحص علمی آنها پرداخته‌اند که شاید کوشندگی اولریش مارزلف در این زمینه مثال‌زدنی باشد. در داخل ایران هم شماری از استادان و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به کیفیت هنری و چندوچون فنی آنها عطف توجه کرده‌اند و پایان‌نامه‌ها و نوشته‌های روشن‌نگر فراهم کرده‌اند و بخشی از فرهنگ تصویری کشورمان را با خاستگاه تاریخی آن پژوهیده‌اند.

کتاب حاضر، که مجموعه‌ای از مقالات و تبعات ایران‌شناسان در باب چاپ و چاپخانه و به ویژه چاپ سنگی و تاریخ فرازونشیب آن در ایران است، به همت آقای شهرز مهراجر، مترجم محترم کتاب اولریش مارزلف در باب تصویرسازی چاپ سنگی در ایران، ترجمه شده است. پژوهندگان و پیوندگان عرصهٔ فرهنگ و هنر ایران، ارج و قدر این نوع آثار و زحمات مترجمان و مؤلفان‌شان را خواهند دانست و حدود خدمات فرهنگی آنها را نیک خواهند شناخت و پاس خواهند داشت. قلم آقای شهرز مهراجر پرتوان و اجرش مشکور باد.

یادداشت مترجم

یک

جست‌وجو در هزارتوی فرهنگ ما - از گذشته‌های دور تاکنون - مورد توجه شرق‌شناسان بوده است. دو عامل جذابیت و کم‌کاری فرهنگ‌پژوهان خودی، بسیاری از شرق‌شناسان را به پژوهش در گستره‌های مختلف فرهنگ ایران ترغیب کرده است. البته - به باور من - نباید عامل این کم‌کاری را صرفاً از جانب پژوهشگران دانست، بلکه در این ناکامی فرهنگی، فقدان ابزارها و امکانات پژوهشی، نقش به‌سزایی داشته‌اند. بدیده چاپ و به طور خاص چاپ سنگی یکی از همین حوزه‌های فرهنگی نسبتاً ناشناخته محسوب می‌شود. تأکید بر نسبتاً ناشناخته‌بودن این پدیده فرهنگی، از آن جهت است که تاکنون پژوهش جامع و مرجعی در خصوص آن صورت نگرفته و به عنوان نمونه حتی فهرست کاملی از اسناد، اوراق، مطبوعات و کتاب‌های چاپی (چاپ سنگی یا سربی) گردآوری نشده است.

دو

از قرار معلوم غربی‌ها در اواخر قرن نوزدهم برای نخستین بار با چاپ سنگی فارسی آشنا شده‌اند. به احتمال زیاد در مجموعه‌ای با عنوان فهرست

کتاب‌های عربی، فارسی و ترکی منتشر شده در کنستانتینوپل، محفوظ در موزه آسیایی (۱۸۶۶)، که شخصی به نام دُرن (B. Dorn) آن را تهیه کرده، برای نخستین بار به کتاب‌های چاپی فارسی اشاره شده است. پس از این تاریخ می‌توان به فهرست کتابخانه ژول مول (۱۸۷۶)، فهرست کتاب‌های فارسی در کتابخانه برلین (۱۸۸۴) و فهرست کتابخانه چارلز شفر (۱۸۹۹) اشاره کرد.^۱ صرف نظر از فهرست‌ها، احتمالاً در مقاله‌ای با عنوان تصاویر عامیانه ایرانی (به زبان فرانسوی، ۱۹۲۵) اثر ژان ونشن برای نخستین بار به موضوع چاپ سنگی فارسی پرداخته شده است. در این خصوص باز هم می‌توان مقاله برتلز با عنوان ادبیات عامیانه فارسی (۱۹۳۴) و مقاله هائری ماسه با عنوان نقش‌های عامیانه ایران (۱۹۶۰) نام برد. در ادامه این جریان - تقریباً از نیمه قرن بیستم به بعد - شرق‌شناسان آشنایی بیشتری با کتاب‌های چاپ سنگی فارسی پیدا می‌کنند. روشن است که چاپ سنگی، ادبیات و تصویرسازی عامیانه تا مدت‌ها زیر سایه ادبیات رسمی و هنرهای فاخر تزئینی همچون نگارگری قرار داشته‌اند.

سه

به طور کلی، از سه منظر فنی، فرهنگی و هنری می‌توان به بررسی پدیده چاپ پرداخت. متأسفانه ویژگی‌های فنی و فرهنگی چاپ کمتر از ویژگی‌های هنری آن در ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هنوز پرسش‌های زیادی در خصوص چگونگی کار نخستین ماشین‌های چاپ در ایران، جنس آنها، سازنده‌های مختلف، حمل و نقل ماشین‌های چاپ و تجهیزات آنها - نظیر سنگ یا سرب مورد نیاز - بی‌پاسخ مانده است. گذشته از مسائل فنی، ارتباط زیادی بین فرهنگ و پدیده چاپ وجود دارد؛ چون ظهور صنعت چاپ، پاسخ به بخشی از نیازهای فرهنگی مردم بوده است. بررسی جامعه‌شناسانه پدیده چاپ، گسترش و نفوذ چاپ تنها در برخی از مراکز شهری، ارتباط بین مدرنیته ایرانی و صنعت چاپ، تأسیس مطبوعات، نقش افراد تأثیرگذار در تأسیس و توسعه چاپ در ایران و ارتباط ادبیات با چاپ (و به طور کلی هر نوع نوشتار)، همگی بخشی از گفتمان

فرهنگی این پدیده نوظهور هستند. ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناسانه صنعت چاپ، که بیشتر در شیوه چاپ سنگی تجلی یافته، نسبت به ابعاد فنی و فرهنگی چاپ، بیشتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. از این دسته ویژگی‌ها می‌توان به رابطه چاپ و عکاسی، خوشنویسی و عناصر تزئینی در کتاب‌های چاپ سنگی، هنرمندان فعال در این حوزه و جنبه‌های زیبایی‌شناسانه آثار چاپی اشاره کرد.

چهار

این کتاب شامل هشت مقاله است که هر یک به گوشه‌ای از تاریخ چاپ سنگی فارسی نظر دارند. از این هشت مقاله سه‌م عمده‌ای به مقالات دانش‌نامه ایرانیکا اختصاص یافته، به طوری که پنج مقاله در نسخه آنلاین آن منتشر شده‌اند (با اشاره به دانش‌نامه ایرانیکا جا دارد که یادای از احسان یارشاطر کنم: مرد بزرگی که عمر خود را در راه ارتقای فرهنگ ایران سپری کرده است). سلامتی و عمر باعزت برای این مرد عزیز آرزو می‌کنم). سه مقاله دیگر نیز هر کدام در یکی از نشریات معتبر شرق‌شناسی منتشر شده‌اند. در میان نویسندگان این مقالات، چهار مقاله به اولمپیدا شگلو و دو مقاله به اولریش مارزلف تعلق دارد. نیل گرین و ویلم فلور نیز هر کدام یک مقاله دارند. جهت اطلاع پژوهشگران از منبع اصلی مقالات لازم است که به مأخذ و تاریخ انتشار آنها اشاره کنم:

- تاریخچه چاپ سنگی فارسی در ایران؛ اولمپیدا شگلو؛ دانش‌نامه ایرانیکا (۲۰۰۹)؛

- تاریخچه چاپ سنگی فارسی در آسیای میانه؛ اولمپیدا شگلو؛ دانش‌نامه ایرانیکا (۲۰۰۹)؛

- تاریخچه چاپ سنگی فارسی در هند؛ اولمپیدا شگلو؛ دانش‌نامه ایرانیکا (۲۰۰۹)؛

- تأثیر نسخه‌های خطی بر کتاب‌های چاپ سنگی فارسی در هند؛ اولمپیدا شگلو؛ ژورنال نسخه‌شناسی شرقی، ش ۵ (۱۹۹۹)؛

- تصویرسازی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی؛ اولریش مارزلف؛ دانش‌نامه ایرانیکا (۲۰۰۹)؛

- سنگ‌هایی از باواریا: چاپ سنگی ایرانی در بستر جهانی؛ نیل گرین؛ نشریه مطالعات ایران‌شناسی، ش ۴۳ (۲۰۱۰)؛

- تاریخچه مختصر چاپ در ایران؛ ویلم فلور؛ دانش‌نامه ایرانیکا (۱۹۹۰)؛
- میرزا علی‌قلی خویی، تصویرساز بزرگ کتاب‌های چاپ سنگی فارسی؛
- اولریش مارزلف؛ نشریه شرق‌شناسی وابسته به دانشگاه ناپل (۱۹۹۹).

پنج

خانم شگلوا هرچند پژوهش‌های فراوانی در خصوص تاریخ چاپ ایرانی داشته، اما به علت تألیف اغلب آثار خود به زبان روسی، بسیاری از آنها هنوز برای ما ناشناخته مانده؛ البته به غیر از کتاب تاریخ چاپ سنگی در ایران (۱۳۸۸) که پروین منزوی ترجمه و منتشر کرده است. شگلوا در ۱۹۷۹ رساله دکتری خود را با موضوع کتاب‌های چاپ سنگی ایرانی به پایان رساند. همچنین بخشی از مطالعات وی به شناسایی و بررسی کتاب‌های چاپ سنگی فارسی در هند و آسیای میانه اختصاص یافته است. متأسفانه شگلوا تاکنون به ایران سفر نکرده، برخی از فهرست‌های فارسی را ندیده و احتمالاً آن چنان با زبان فارسی آشنا نیست. به همین جهت منابع زیادی از دید وی پوشیده مانده و در پژوهش‌های خود بیشتر به کتاب‌های موجود در سنت پترزبورگ اکتفا کرده است. اولریش مارزلف نیز، که تخصص اصلی او قصه‌شناسی و فولکلورشناسی است، با کتاب تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی (۱۳۹۰) - که نگارنده ترجمه و منتشر کرده - سهم به سزایی در معرفی ویژگی‌های تصویری و هنری چاپ سنگی ایرانی دارد. مارزلف با توجه به سفرهای فراوانی که به ایران و سایر نقاط جهان داشته و همچنین تحصیل در ایران، به شناخت خوبی از چاپ سنگی فارسی دست یافته است. ویلم فلور یکی دیگر از نویسندگان این کتاب، تاریخ‌دان، جامعه‌شناس و اسلام‌شناس برجسته هلندی، است. او پژوهش‌های مهمی درباره تاریخ قاجاریه و صفویه صورت داده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تاریخ نمایش در ایران و القاب و عناوین در ایران دوره صفوی اشاره کرد. مقاله‌ای که در این کتاب از وی ترجمه شده، به سیر جریان چاپ ایرانی؛ از آغاز تا پایان دوره قاجار اختصاص دارد. هرچند چاپ سنگی تنها بخشی از این مقاله را تشکیل می‌دهد، اما به سبب اهمیت مقاله و همچنین گزارش خلاصه‌شده‌ای که از سیر جریان چاپ ایرانی در طول تاریخ ارائه می‌دهد، تصمیم به درج آن در کتاب پیش رو گرفتیم. و اما نیل گرین با مقاله تحسین برانگیز سنگ‌هایی از باواریا،

با زاویه‌ای کاملاً متفاوت از شرق‌شناسان دیگر، به چاپ سنگی فارسی نگریسته است. وی در مقاله خود با تحلیل عوامل تاریخی، سیاسی و اجتماعی، جریان واردات سنگ مخصوص چاپ به ایران را بررسی نموده و به طور تطبیقی جایگاه ایران را در صنعت چاپ سنگی نسبت به کشورهای دیگر مشخص کرده است (با توجه به نثر دشوار این مقاله، امیدوارم که حق مطلب در ترجمه به درستی ادا شده باشد).

نکته

پس از ترجمه و نشر کتاب تصویرسازی داستانی در کتاب‌های چاپ سنگی فارسی، با پیشنهاد دوستان تصمیم به ترجمه و نشر برخی از مهم‌ترین مقالات شرق‌شناسان در خصوص چاپ سنگی فارسی گرفتیم. در واقع، باید اشاره کنم که ایده گردآوری چنین مقالاتی در قالب کتاب، نخستین بار از جانب دو دوست بزرگوارم - علی بوذری و مجید غلامی جلیسه - مطرح شد. هشت مقاله‌ای که در این کتاب به چاپ رسیده، با توصیه‌های علی بوذری و راهنمایی اولریش مارزاف انتخاب شدند. خوشبختانه چاپ کتاب مآخذشناسی کتاب‌های چاپ سنگی و سربی (تألیف علی بوذری و محمد آزادی، ۱۳۹۰)، جست‌وجو و انتخاب مقالات را بسیار ساده‌تر کرد. از لطف بی‌دریغ این دوستان صمیمانه سپاسگزارم. خانم ارکیده ترابی با ترجمه مقاله میرزا علی‌قلی خویی، تصویرسازی بزرگ کتاب‌های چاپ سنگی فارسی دست یاری به من رساندند. در پایان از آقای بهرام فرهنگدور، ویراستار کتاب و همچنین آقای محمدحسین حامدی، مدیر محترم نشر پیکره، که همچون همیشه در کنار من بودند و امکان چاپ این کتاب را فراهم کردند، صمیمانه قدردانم. نام استاد یعقوب اژند بر هیچ هنر پژوهی پوشیده نیست. بسیار مایه افتخار بنده است که این تاریخ نگار و هنر پژوه گرامی مقدمه‌ای بر این کتاب نوشتند. راهش پر دوام و همچون همیشه پُر حاصل باد.